

معلمان برای معلمان، پرتویی از سازمان یادگیرنده

گزارش کارگاه طراحی آموزشی

اولین تجربه بومی مجتمع آموزشی در توانمندسازی معلمان

■ مرجان زارع



بخش دوم: نوشتن هدف شایسته و خلق اطلاع‌نگاشت (اینفوگرافی)

مریم باغ‌گلشنی، آموزگار با سابقه پایه چهارم، با مروری بر گام‌های چهارده‌گانه طراحی آموزشی، تفاوت بین طرح درس‌های سنتی و طراحی آموزشی را بیان و اضافه کرد در طراحی آموزشی معلم باید وفادار به برنامه درسی باشد نه کتاب درسی! شایستگی در یادگیری یعنی کسب لیاقت، صلاحیت، استعداد و علاقه که شامل آموختن برای زیستن، به کار بستن و با هم زیستن است. سپس با تشریح الگوی سه‌ضلعی ارتقای یادگیری، شایستگی هدف با ظرافت خاصی به مفهوم حیطه‌های یادگیری یعنی مهارت، نگرش و دانش پیوند خورد.

الگوی سه‌ضلعی ارتقای یادگیری



بدین ترتیب حلقه اتصال در ذهن یادگیرندگان کارگاه شکل گرفت. پس از صرف

گذاشته شده بود، احساس خود را روی دیوار مشخص کنند. کارت نام هرکس به او تحویل داده شد. سپس اولین چالش شروع شد. شرکت‌کنندگان کارگاه باید از میان کاغذهای سفید روی میز، گروه خود را پیدا می‌کردند؛ اما چگونه؟ هیچ اسمی روی کاغذها نبود. پس از چندی بالاخره یکی از شرکت‌کنندگان متوجه خودکارهای جوهرنارم‌رئی روی میز و چراغ‌قوه‌ها شد. معما حل شد. افراد حاضر در کارگاه با گرفتن نور روی کاغذها نام‌ها و شماره گروه خود را یافتند. گروه‌ها با لبخند و شادی شکل گرفتند.

سپس جناب آقای سید محسن گل‌انسانز با این توصیه ذهن‌ها را آماده یادگیری کرد: «هرچه را از قبل می‌دانید، کنار بگذارید و با آموزه‌های این کارگاه همراه شوید.»

بخش اول: کلیات طراحی آموزشی

در آغاز کارگاه، خانم لیلا جمالی، مسئول دوره ابتدایی، با ارائه پرده‌نگاری (پاورپوینتی)، به معرفی کلیاتی درباره طراحی آموزشی پرداخت. ایشان با اشاره به چهارده مؤلفه کلیدی طراحی آموزشی، اهمیت آن را در برنامه‌ریزی تدریس، شناخت دقیق مخاطب و هدفمندی فرایند یاددهی یادگیری بیان کرد. وی در پایان سخنان خود گفت: «طراحی آموزشی سفری برای یادگیری است که در آن هر دانش‌آموز مسیر منحصر به فرد خود را تجربه می‌کند و یادگیری برایش لذت‌بخش و ماندگار می‌شود.»

پس از این مقدمه، تکه فیلمی (کلیپی) با موضوع «نور» پخش شد که در فضایی غیرمستقیم، ذهن شرکت‌کنندگان را با موضوع همراه ساخت. سپس فراگیرندگان در قالب گروه‌های هم‌پایه، با انتخاب موضوعی مرتبط با مفهوم نور، به تعریف هدف‌های یادگیری متناسب با آن پرداختند.

در زمستان گرم ۱۴۰۳، جمعی از معلمان با انگیزه دوره ابتدایی، کارگاهی را برای نو‌معلمانی که به تازگی به مجموعه پیوسته بودند و حدود پنج ماه بود، به عنوان معلم، سکان هدایت کلاس‌های درس را در دست گرفته بودند، برگزار کردند. این کارگاه با موضوع «طراحی آموزشی» اولین تجربه بومی مجتمع آموزشی حضرت جواد (ع) در ۳۳ سال اخیر بود که در نوع خود شایان توجه است.

طراحی این کارگاه بدیع و نو توسط این همکاران صورت گرفت: خانم‌ها فرشته پنا‌بادی، معلم پایه دوم؛ شهیده جاهدی، معلم پایه سوم؛ زهراسادات خالویی، معلم پایه سوم؛ مریم باغ‌گلشنی، معلم پایه چهارم؛ زهراسادات دعایی، معلم پایه چهارم؛ افسانه اصلانی، مسئول پایه چهارم؛ زهرابادی، معلم پایه پنجم؛ فاطمه فلاح، مسئول پایه پیش دبستان و اول؛ آقای مرتضی کریم‌آبادی، مسئول پایه پنجم. برخی از این افراد در روز کارگاه مجری مستقیم بودند و برخی دیگر از آن‌ها در پشت صحنه هدایت و نظارت افراد دیگر را برعهده داشتند.

در فرایندی که برای برگزاری این کارگاه طی شد معلمان مفاهیم‌هایی با یکدیگر داشتند. بعد از حدود هفت ماه بحث و تبادل نظر درباره بخش‌ها و جزئیات کارگاه، بررسی تمام گفت‌وگوها و مفاهیمی که قرار بود منتقل شود، سرانجام متصدیان امر بر آن شدند تا کارگاه را در تاریخ ۱۸ و ۱۹ بهمن ماه برگزار کنند؛ کارگاهی که نتیجه و خروجی آن برای طراحان همراه با تردید و دلواپسی بود. حال وقت آن بود تا هر آنچه در ذهن‌ها دارند و بر کاغذ‌های یادداشت کرده‌اند، به صحنه عمل بیاورند.

روز اول کارگاه

برخی از شرکت‌کنندگان زودتر از موعد آمدند. کم‌کم بقیه نیز از راه رسیدند. از آن‌ها خواسته شد تا با برجسب‌هایی که روی میز کنار سالن





بلوم^۲ به منظور شناخت سطوح یادگیری گفت‌وگو کرد. سپس بخش دیگری از مقاله درباره «یادگیری فعال» مطالعه و گفت‌وگوهای میان افراد در هر گروه بررسی شد. سپس با پخش تکه فیلم جذاب «آدمک» مطالب جمع‌بندی و تکمیل شد. در ادامه، مجری ساحت‌های شش‌گانه^۳ تعلیم و تربیت را توضیح داد و پس از پخش نماهنگ «ایران»، از فراگیرندگان خواست تا با توجه به موضوع ایران فعالیتی را طراحی کنند و در گروه‌ها قرار دهند.

روز دوم

روز دوم جمعه بود و با چسباندن برچسب احساسات بر روی تابلو آغاز شد. برچسب‌ها نشان می‌داد که فراگیرندگان امروز نسبت به دیروز با اشتیاق و انگیزه بیشتری آمده‌اند.

بخش اول: ارزشیابی و انواع آن

افسانه اصلانی، مسئول پایه چهارم دبستان دخترانه ناحیه دو، با طرح پرسشی در مورد مفاهیم ارزشیابی و ارزشیابی، به بیان انواع ارزشیابی و کاربرد آن‌ها پرداخت. سپس با این توضیح که ملاک‌های سنجش به منظور ارزشیابی میزان یادگیری و عملکرد دانش‌آموزان در طول تدریس استفاده می‌شوند، گفت: «این ملاک‌ها باید با اهداف آموزشی هماهنگ باشند و به معلمان کمک کنند تا میزان تحقق اهداف درسی و اثربخشی روش‌ها و فعالیت‌های طراحی شده^۴ حین تدریس را بسنجند.»

در ادامه، با توضیح روش «م.م.ی.آ»^۵ از فراگیرندگان خواسته شد آنچه در مورد ارزشیابی (م) می‌دانند و آنچه می‌خواهند بدانند (م) را

بالاترین نقطه توجه یا بالاترین هدف است. اما معنای آموزشی این عبارت یک رویکرد یادگیری فعال و پویاست که در آن بچه‌ها به طور مستقیم با افراد، اشیاء، حوادث، عقاید و وسایل مختلف مواجه می‌شوند و شخصاً آن‌ها را تجربه می‌کنند.

۲. مجموعه‌ای از سه مدل هرمی است که برای طبقه‌بندی اهداف آموزشی به سطوح پیچیدگی و ویژگی استفاده می‌شود. این سه فهرست، اهداف یادگیری را در حوزه‌های شناختی، عاطفی و روانی حرکتی پوشش می‌دهند.

۴. روشی که در آن فراگیرندگان آنچه می‌دانند، می‌خواهند بدانند و آنچه یاد گرفته‌اند را مشخص می‌کنند که به «م.م.ی.آ» معروف است.

طراحان کارگاه با دقت و ظرافت خاصی حلقه اتصالی میان حیطه‌های سه‌گانه و هدف شایسته ایجاد کردند. به این ترتیب، نوشتن هدف‌های شایسته در بستر این حیطه‌ها شکل گرفت.

بخش چهارم: ملاک‌های سنجش و شروع خوب

در ادامه، اطلاع‌نگاشت گروه‌ها بررسی و از آن‌ها خواسته شد به اثری که به نظرشان بهتر است، از یک تا سه ستاره بدهند. کار دشواری بود. در عین حال رقابت پرنرنگ شده بود؛ پس از آرام‌شدن حضاران، مجری این بخش مرتضی کریم‌آبادی، مسئول پایه پنجم دبستان پسرانه ناحیه یک، با شمارش ستاره‌های داده‌شده به هر اثر، گروهی را که بیشترین ستاره را گرفته بود، مدنظر قرار داد و از فراگیرندگان خواست به این سؤال پاسخ دهند: «چرا به این گروه ستاره داده‌اید؟ ملاک‌های سنجش خود را بیان کنید.» سپس مجری درباره ملاک‌های سنجش توضیحاتی داد و از گروه‌ها خواست برای هدف‌های شایسته‌ای که در مرحله قبل نوشتند، ملاک سنجش هم بنویسند و در گروه مجازی ارسال کنند. سپس این ملاک‌ها بررسی شد.

حال نوبت یک فعالیت بدنی شاد بود. وقت آن رسیده بود که شرکت‌کنندگان با بازی نور و رنگ به وجد بیایند و درک کنند که چگونه می‌توان با موضوع و محتوای درسی لذت یادگیری را در فراگیرندگان ایجاد کرد. موسیقی در فضا پخش شد و حضاران متناسب با هر نور رنگی که می‌دیدند و طبق کدهایی که قبلاً به آن‌ها گفته شده بود، حرکاتی انجام دادند. همراهی مجریان کارگاه با شرکت‌کنندگان، تداعی‌کننده^۶ معلمانی بود که در کلاس درس تسهیلگری می‌کردند و هم‌قدچه‌های می‌شدند. در ادامه، قسمت «شروع خوب» از مقاله یادگیری رشد‌دهنده^۷ در اختیار گروه‌ها قرار گرفت تا درباره آن هم‌اندیشی کنند. سپس مجری مفهوم شروع خوب را توضیح داد. شرکت‌کنندگان هم تجربه‌ای از شروع خوب در کلاس را بیان کردند و این بخش با بررسی آن تجربه‌ها توسط مجری به پایان رسید.

بخش پنجم: یادگیری فعال

در این قسمت از کارگاه، ابتدا بخش‌هایی از فیلم «رادیکال»^۸ پخش شد. مجری این بخش سمیراسادات خالویی، معلم پایه سوم، با فراگیرندگان حول موضوعاتی چون فعال بودن دانش‌آموز در یادگیری و تولید مفهوم توسط یادگیرنده، نظریه سازنده‌گرایی، الگوی آموزشی های اسکوپ^۹ و نسخه جدید هرم یادگیری

۱. مقاله یادگیری رشد‌دهنده نوشته دکتر محمود امانی طهرانی که در سال ۱۳۹۶ در مجله رشد آموزش ابتدایی چاپ شده است.

۲. های-اسکوپ (High-Scope) در لغت به معنای

صبحانه و برگشت فراگیرندگان، قسمتی از کتاب توتوچان خوانده شد:

حالا دیگر وقت «چیزی از اقیانوس‌ها، چیزی از زمین است»، یعنی وقت ناهار شده بود. این همان چیزی بود که توتوچان مشتاقانه انتظارش را می‌کشید. این عبارت را مدیر مدرسه برای توصیف غذایی متعادل پدید آورده بود... این مدیر به جای صدور توصیه‌هایی مثل «به کودکان‌تان یاد بدهید هر چیزی را بخورند» یا «لطفاً توجه کنید آن‌ها غذای مقوی و کاملی بیاورند»، به پدر و مادرها گفته بود در ظرف غذایشان «چیزی از اقیانوس‌ها و چیزی از زمین» بریزند....

سپس از فراگیرندگان پرسیده شد: «در صبحانه‌ای که شما صرف کردید، چه مصداق‌هایی از نور دیدید؟» شوری به پاشد؛ چون قرار شد پاسخ‌ها، در قالب پروژه‌ای اطلاع‌نگاشتی، روی مقواهایی که در اختیار شرکت‌کنندگان قرار داده شد، ارائه شود. در نهایت، گروه‌ها از کارهای یکدیگر بازدید کردند.



بخش سوم: حیطه‌های یادگیری

در ادامه این مبحث، فاطمه فلاح، از همکاران پسرانه ناحیه یک، حیطه‌های سه‌گانه دانش، مهارت و نگرش را معرفی و توضیح داد. ایشان برای اینکه معلمان جدید بتوانند بهتر یاد بگیرند، مثالی از قرارداد هدفی مناسب در حیطه دانش زد. بعد از آن، مجری برنامه اهدافی را که گروه‌های یک و دو در مرحله قبل در حیطه دانش نوشته بودند، بررسی و اصلاح کرد. سپس گروه‌های دیگر با کمک تسهیلگران، اهداف نوشته‌شده خود را با توجه به این حیطه‌ها اصلاح کردند.

همین روند برای شایسته‌سازی اهداف با توجه به حیطه‌های روانی حرکتی (مهارت‌های عملی) و نگرشی نیز انجام شد. «شایسته‌کردن هدف» به این معنی است که دانش، مهارت و نگرش دانش‌آموزان تغییر کند و بهتر شود.





بنویسند و به ریسمانی که به دیوار نصب شده بود، آویزان کنند. همه از مطالب نوشته شده، مثل نمایشگاهی، دیدن کردند.

در این بخش، دو مفهوم «ارزیابی» و «ارزشیابی» هم مقایسه شدند؛ ارزیابی فرایندی است که بیشتر به معلم مربوط می‌شود تا دانش‌آموز و ارزشیابی مربوط به میزان دستیابی دانش‌آموز به مفهوم است. جلسه با پرسش در مورد شیوه ارزشیابی‌های سنتی و نوین ادامه یافت و طی آن، به معرفی

و بررسی ارزشیابی توصیفی و اثربخشی آن و روش‌های انجام آن و نقش حیاتی بازخورد دادن پرداخته شد. در ارزشیابی توصیفی، بر اساس مشاهدات خود و ثبت و تحلیل رفتارها و پیشرفت‌های دانش‌آموزان بازخوردهایی مناسب به آن‌ها می‌دهیم. باید توجه داشته باشیم بازخوردی که می‌دهیم سازنده، مشخص و دقیق، قابل فهم، راهنمایی‌کننده و در زمان مناسب باشد. این نوع بازخورد دانش‌آموز را به سمت یادگیری مستقل و فهم نقاط ضعف و قوت خود و رشد و پیشرفت رهنمون می‌سازد. برای ثبت مشاهدات، در جریان ارزشیابی توصیفی، از ابزارهایی چون بازبینه‌ها (چک‌لیست‌ها)، پوشه کار، ثبت رویداد، ارزشیابی‌های مستمر و خودارزیابی و... می‌توانیم بهره ببریم. بعد از پرداختن به این موضوعات، گروه‌ها مقاله «نمره لال است» را خواندند و پس از هم‌اندیشی، پرسش‌هایی مطرح شد.

در ادامه، تکه فیلمی پخش شد که در آن زهراسادات دعایی، یکی از همکاران کارگاه و معلم پایه چهارم، مبحث سنگ‌ها را به بچه‌ها آموزش می‌داد. اصلانی در این مرحله از فراگیرندگان خواست برای این تدریس ملاک‌های سنجش بنویسند. در آخرین بخش، گروه‌ها، ستون «یاد گرفت» را کامل کردند.

در بخش سوم کارگاه در روز دوم، باغ‌گلشنی جدول چهارده مؤلفه یادگیری را با همکاری و مشارکت فراگیرندگان مرور کرد. پس از گفت‌وگو در این زمینه، گروه‌ها برای بخش پرهیجان کار ایستگاهی آماده شدند. ایستگاه‌ها در هفت بخش با موضوع «نور» طراحی شده بود. هر گروه آزاد بود، از هر ایستگاهی که مایل است آغاز کند. آن‌ها نه مجبور بودند ترتیب خاصی را رعایت کنند و نه زمان مشخصی را.

ایستگاه اول: ساخت وسیله‌ای کاربردی در آموزش مباحث مرتبط با نور و طراحی آزمایشی که کارایی وسیله را نشان دهد (منشور، زیبایی، آب‌گرمن خورشیدی، عدسی محدب، پریسکوپ یا جعبه نور).

ایستگاه دوم: نوشتن داستانی با کلمات مربوط به نور و نقاشی، ساخت کتابچه و شعر.

ایستگاه سوم: تهیه پوستری با جمع‌آوری اطلاعات عکس (کاریکلماتور)، آیه، حدیث و نقاشی.

ایستگاه چهارم: اجرای نمایش با سایه.

ایستگاه پنجم: پاسخ به پنج سؤال. در این ایستگاه به ازای هر جواب درست یک لامپ روشن و با پاسخ به همه سؤال‌ها یک مدار متوالی با پنج لامپ تشکیل می‌شد.

ایستگاه ششم: بیان روش‌های پیشنهادی در خصوص انرژی جایگزین و راه‌های جلوگیری از هدررفت انرژی. این ایستگاه با توجه به مشکلات مصرف سوخت‌های فسیلی و پیکار با انرژی و نیاز روز کشور شکل گرفت.

پس از تکاپوی بسیار فراگیرندگان برای انجام فعالیت‌های ایستگاهی که با شور و خنده و انرژی بالا همراه بود، آثار خلق شده در ایستگاه‌هایی که خروجی قابل مشاهده داشت، روی دیوار نصب شدند.

در پایان حلقه‌ای تشکیل شد و مخاطبان نظرات خود

۱. رشد معلم، آبان ماه ۱۳۹۸.

را درباره دو روز کارگاه اعلام کردند. این کارگاه در انتها با سخنانی از آقای گلدان‌ساز پایان یافت که خلاصه‌ای از آن را می‌خوانید:

آیا از دیروز که به کارگاه آمدید، یک قدم تغییر کردید؟ کتابی است با عنوان «مسئولیت اجتماعی بنگاه‌های اقتصادی»؛ این کتاب را آقای «ماتسوشیتا»، به‌عنوان یکی از کارآفرین‌های موفق دنیا نوشته است. در جلسه‌ای از ایشان دعوت شد تا دستاوردش را بگوید. ایشان دو نکته خیلی برجسته گفت؛ یکی اینکه من در کارم عمل به بدیهیات کردم؛ یعنی هر کار لازم و درست بود، انجام دادم. نکته دوم اینکه من فکر کردم به جای هر چیزی، باید انسان تربیت کنم. کجا این حرف رازد؟ در کارخانه.

دیروز در ابتدای جلسه گفتیم معلم باید عاشق کارش باشد و اگر معلمی عاشق کارش نباشد، وقت خودش، بچه‌ها و جامعه را تلف کرده است. بچه‌ها حقوقی دارند که بر عهده ماست. ما در قبال جامعه مسئولیتی داریم و با هر درامدی مسئولیت اجتماعی این شغل را پذیرفته‌ایم. اگر ناراضی هستیم، برویم تغییر شغل بدهیم؛ اما حالا که پذیرفته‌ایم، باید مسئولیت اجتماعی این شغل را بر عهده بگیریم و در قبالش باید به بدیهیات و اخلاق حرفه‌ای عمل کنیم. باید این نگاه را داشته باشیم که جامعه با انسان‌های آینده تغییر می‌کند. این نگاه ما را حرکت می‌دهد و ما را بر آن می‌دارد که در این دستاورد سهمی داشته باشیم. ما در تعلیم و تربیت باید به هدف‌ها و قله‌ها نگاه کنیم. برای رسیدن به قله‌ها سختی‌های راه را هم ببینیم. یکی از شما گفتید: «کار سختی است!» و یکی از دوستان گفت: «مگر معلمی کار سختی نیست!» معلمی واقعاً کار سختی است. یکی از سخت‌ترین کارهای دنیاست.

حضور شما در اینجا برای ما این فرض را ایجاد می‌کند که شما عاشق این کار هستید. این دوستان هم عاشقانه پنج‌شش ماه است که برای این دو روز وقت گذاشته‌اند. شما هم در سال‌های آینده باید بیایید روی همین پله‌ها بایستید. نگاهی به آینده داشته باشید که به‌عنوان معلم باید کجا بایستید، وگرنه همین بچه‌ها چند سال آینده از شما جلو خواهند زد. کار معلم چیست؟ صحنه‌پردازی یادگیری است. شما باید در کلاس کارگردانی کنید. به چه کسی می‌گویید صحنه‌پرداز؟ کارگردان صحنه‌پردازی می‌کند و اثری را می‌سازد. بقیه در صحنه بازی می‌کنند. بچه‌ها هم در کلاس شما بازی می‌کنند. بازی از مهم‌ترین روش‌ها و الگوهای یادگیری است. ما در دوره ابتدایی «یادگیری» داریم. آن وقت که سراغ آموزش می‌روید و می‌خواهید بودجه‌بندی را تمام کنید، اگر آموزش‌تان به یادگیری منجر نشود، چه فایده دارد!

آیا فعالیت‌های ایستگاهی را که انجام دادید، به‌نوعی صحنه‌پردازی بود یا نه؟! در مبحث سنگ‌ها یکی از شما گفت: «من اگر بخواهم سنگ‌ها را درس بدهم، سنگ‌ها را جمع می‌کنم و به کلاس می‌آورم. بعد از بچه‌ها می‌خواهم که با موسیقی، سنگ‌ها را جای خود بگذارند.» این همان تلفیق است؛ یعنی جایی است که فضا را عوض کردی، آستانه توجه را هم شکستی. بچه حرکتی می‌کند و می‌آید سنگ را سر جایش بگذارد. حالا اگر اشتباهی هم کرد، نباید به رخش بکشیم. باید کمک کنیم تا درستش را بیاموزد. هیچ بچه‌ای را نسبت به بچه‌ای دیگر برتر نینگاریم. در دوره ابتدایی هیچ‌گونه دسته‌بندی و امتیازدادی نداریم.

بچه‌ها در زمینه‌های متعدد می‌توانند استعدادهایشان را بروز دهند. آیا ما می‌توانیم تفاوت‌های کودکان را بسنجیم و زمینه مناسب آن‌ها را فراهم کنیم؟ □

